

DOI: 10.30510/PSI.2020.117699

## سیاست‌های اجتماعی بنیاد شهید از منظر همسران شهدا؛ مطالعه کیفی

زهرا کوهساری<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

سمیه سادات شفیعی<sup>۲</sup>

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴

هاجر آذری<sup>۳</sup>

### چکیده

پس از جنگ تحمیلی بخشی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران معطوف به جبران خسارت و کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ برای خانواده‌های رزمندگان بود. سؤال اینجاست که سیاست‌های نظام اسلامی معطوف به خانواده‌های ایثارگران که تا به امروز ادامه یافته است تا چه حد در رسیدن به اهداف خود و پاسخ به نیازهای ایثارگران به ویژه همسران شهدا موفق بوده؟ یکی از روش‌های ارزیابی سیاست‌های هر نظامی به ویژه در حوزه رفاه اجتماعی پرسش از گروه هدف است. در این تحقیق با بیست و سه نفر از همسران شهدای جنگ تحمیلی ساکن شهر تهران مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. داده‌های جمع‌آوری شده در سه بعد محتوای سیاستها، نحوه اجرا و نتایج، کدگذاری موضوعی و نهایتاً بر اساس قوانین موجود به تحلیل سند و تحلیل مضمون پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که از نظر همسران شهدا به عنوان گروه هدف، سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در باب خانواده ایثارگران، ناکافی بوده است و به رفع مشکلاتی چون رفاه در ایام سالمندی، نیازهای تفریحی و ارتباطی، مددکاری و مشاوره آنگونه که تا کنون باید پرداخته نشده. در باب تأمین نیازهای همسران شهدا و تطبیق خدمات با وضعیت فعلی جامعه هدف و در نظر گرفتن نیازهای ایام کهولت سن و سالمندی جامعه هدف و لزوم تدبیر سیاست‌ها و اتخاذ راهکارها در جهت ایجاد سهولت در روند زندگی همسران سالمند شهدا با بی‌اعتنایی

فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، تابستان ۱۳۹۹

۱ دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران masiha\_485@yahoo.com

۲ استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران ss.shafiei@gmail.com

۳ استادیار حقوق گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران h.azari@modares.ac.ir

خاصی مواجه شده‌اند. همچنین این سیاستها در عین برآوردن بخشی زیادی از نیازهای همسران شهدا، ناکافی بوده و در میان مصاحبه شوندگان تا حدودی احساس نارضایتی و نگرانی برای آینده خود و فرزندان احساس می‌شد.

**واژگان کلیدی:** سیاست‌های بنیاد شهید، سیاست‌های اجتماع، ایثارگران، همسران شهدا،

مطالعه کیفی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه و طرح مساله

فرض عمومی این است که زن باید تحت حمایت یک مرد باشد. قاعده این است که تمام زنان باید ازدواج کنند و مجرد دختران پذیرفته نیست، در مورد زنانی که به دلیلی (طلاق، مرگ شوهر) بی سرپرست مانده اند نیز توصیه می شود دوباره ازدواج کنند. همسران شهدا گروه اجتماعی از زنان هستند که در طول جنگ تحمیلی همسران خود را از دست دادند. طبق آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی ۵۳۱۰۷ همسر شهید برجای گذاشت که حدود نیمی از آنها در طول بیست سال پس از پایان جنگ ازدواج کردند و نیمی دیگر سرپرست خانواده باقی ماندند (گزارش تحلیلی وضعیت اجتماع، اقتصادی خانواده ایثارگران، معرفی شهدا و همزمان آنان؛ مرکز پژوهش های بنیاد شهید (۱۳۹۴)) همسران شهدا نه تنها مخاطرات حاصل از جنگ را تجربه کردند بلکه در غیاب همسر در دوران اعزام به جبهه پس از آن در زمان فقدان همسر، مسئولیت سرپرستی و اداره خانواده را به عهده گرفتند. و در حین فقدان حمایت های روحی و عاطفی و علاوه بر داشتن مسئولیتهای خانوادگی در قبال فرزندان و بعضاً پدران و مادران شهدا، از نظر معنوی نیز دارای مسئولیت خطیری بودند.

همسران شهدا جزو گروه اجتماعی زنان سرپرست خانوار قرار می گیرند که از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه هستند (معیدفر، ۱۳۸۵) زیرا همزمان نقش نگهداری از کودکان و نان آوری خانواده را به عهده دارند. در بیان مختصری از پیشینه پژوهش زمینه مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار تحقیقاتی میدانی ای انجام شده است: رضایی و محمودی (۱۳۹۸) در مطالعه کیفی زنان سرپرست خانوار در بانه دریافتند که این زنان دچار فرسودگی تدریجی و بیماری های مزمن جسمی و روانی، طرد و حاشیه نشینی و فشار نقشی و بازتعریف جایگاه زنانگی هستند. کمک های مالی و حمایت های رسمی و غیررسمی تنها به حفظ وضع موجود آنها کمک می کند و به ندرت سبب توانمندی آنها می شود. همتی و کریمی (۱۳۹۷) سرپرستی خانواده را به مثابه بازتعریف مناسبات با جامعه (بازتعریف ارتباط با دیگران و اتکا به نهادها)، تجربه احساسی ناخوشایند (تنهایی، احساس ناامنی) و گونه دیگری از زیست اجتماعی (فقر، تعارض نقشی و چالش های فرزندپروری) شناسایی می کنند. محمدپور و علیزاده (۱۳۹۰) دریافتند ازدواج های مجدد این زنان به دلیل شرایط

نامناسب آنها بیشتر به صورت اجباری و برای فرار از شرایط موجود و از بین انتخابهای اندک رخ می دهد و معمولاً عواقب خوشایندی ندارد. روحیه محافظه کارانه، مسئولیت گریزی و مظلوم نمایی از ابعاد فرهنگ فقر این زنان است. خانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقایسه بین زنان سرپرست خانوار و دارای سرپرست دریافتند زنان سرپرست خانوار بیشتر در معرض آسیب پذیری اجتماعی هستند و فقر و فقدان پیوندهای اجتماعی و در نتیجه، تجربه آنها از فشار و عدم دریافت حمایت مناسب، چه از نوع رسمی و چه از نوع غیررسمی، این زنان و فرزندانشان را در معرض آسیب قرار می دهد.

زنان سرپرست خانوار یکی از گروه های اجتماعی مورد توجه سیاستگذاری اجتماعی هستند که می کوشند با حمایت های مادی، از فقر و مشکلات معیشت این خانواده ها بکاهند و در عین حال با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، از بار سنگین تعهدات رفاهی دولت بکاهند. فیروزآبادی و دیباجی فروشانی (۱۳۹۶) در نقد سیاست اجتماعی در باب زنان سرپرست خانوار به ناهمخوانی سیاست اجتماعی در ایران اشاره می کنند و اینکه در حوزه قوانین مدنی بیشتر سنتی و غیرواقع گرا و در حوزه حقوق اجتماعی تا حدی رو به سیاست های لیبرالی و بازارمحور است. نقش اصلی زنان، خانه داری و مادری است اما به محض غیبت ناگهانی سرپرست خانوار از زنان انتظار می رود در عین حفظ نقش قبلی خود، خانه را به قصد کار ترک کنند. زارعان و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی سیاست های برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه در مورد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دریافتند که برنامه های توسعه مذکور اقدام موثری برای افزایش عاملیت زنان در ناحیه دسترسی به منابع و حضور در شبکه های اجتماعی و بازار نداشته و فقط به حمایت های اندک مالی و تا حدودی حمایت های اجتماعی بسنده کرده است، سیاستی که نمی تواند به کاهش فقر و بهبود زندگی این زنان در درازمدت منجر شود.

با آنکه همسران شهدا عمدتاً از گروه زنان سرپرست خانوار محسوب می شوند اما فقر و مشکلات مالی تامین معاش به دلیل وجود حمایت رسمی، کمتر مساله آنهاست. توجه قانونگذاران و «سیاست سازان کشور معطوف بوده است به حمایت از خانواده های شهدا، جانبازان و نیروهای مسلح تا بتوانند به طرقی هزینه های تحمیل شده به این خانوارها را پوشش دهند.» (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۹۶).

ارائه خدمات اجتماعی به خانواده‌های شهدا، در حیطه بنیاد شهید و امور ایثارگران است: امام خمینی (ره) رهبر فقید انقلاب اسلامی در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۸ به منظور رسیدگی بهتر و کاملتر به خانواده شهدا و جانبازان انقلاب اسلامی دستور تأسیس بنیاد شهید را صادر و در فرمانی اولویت‌های فرهنگی، اقتصادی، اشتغال، درمان و معیشت را به عنوان اولین اصل در رسیدگی به ایشان بیان فرمودند. قوانین و مصوبه‌های مختلفی در حمایت از خانواده‌های ایثارگران به تصویب رسید. پس از تصویب قانون واگذاری پرداخت حقوق و مزایای ماهانه وراث شهدا و مفقودین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و کارمندان کشوری به بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب مورخ ۲۲/۱۰/۶۴ مجلس شورای اسلامی کلیه حقوق وراث شهدا که پیش از این توسط دستگاه‌های ذیربط پرداخت می‌گردید، در اختیار این سازمان قرار گرفت. در کنار آن برای رسیدگی به وضعیت فرزندان شاهد طرح مدارس شاهد برای ارائه خدمات پرورشی و آموزشی در بنیاد شهید در سال ۱۳۶۴ راه‌اندازی گردید و دانشگاه شاهد نیز در سال ۱۳۶۹ برای تکمیل این طرح در بخش آموزش عالی تأسیس شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی، بنیاد شهید وارد دوره تثبیت سازمانی شد، مراکز استانی آن تأسیس شد. و برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و ساماندهی آثار بازمانده از شهدا، معاونت پژوهش و تبلیغات ایجاد گردید. از سوی دیگر در ۱۳۶۷ یعنی در زمانی که هنوز کشور درگیر جنگ بود در پی تغییراتی در واحد امور اقتصادی بنیاد شهید، «سازمان اقتصادی بنیاد شهید انقلاب اسلامی» تشکیل گردید. در بهار ۱۳۷۷ اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق این اساسنامه بنیاد شهید دارای شخصیت حقوقی مستقل و از نهادهای عمومی غیردولتی است که تحت نظر رئیس‌جمهور و نظارت عالی مقام رهبری قرار دارد. در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ بر اساس فرمان رهبر انقلاب و نیز مصوبه شورای عالی اداری، طرح تجمیع نهادهای ایثارگران (بنیاد شهید و ستاد آزادگان) در ساختاری یکپارچه توسط دولت وقت تصویب شد و بدین ترتیب بنیاد شهید انقلاب اسلامی به بنیاد شهید و امور ایثارگران تغییر نام داد.

بنیاد شهید و امور ایثارگران تشکیلات اداری وسیعی است که در تمام استان‌های کشور شعبه دارد و خانواده‌های شهید (والدین، همسر، فرزندان) و جانبازان (همسر و فرزندان) و آزادگان (همسر و فرزندان) را تحت پوشش خود دارد، وظیفه‌ای مهم که با توجه به اینکه

«شبکه ارتباطات و حمایت غیررسمی جامعه هدف بنیاد پایین تر از سطح عمومی جامعه است» (سبحانی و حسینی مطلق، ۱۳۹۶) اهمیت دو چندان می یابد. اما سوال اینجاست که سیاست های اجتماعی معطوف به ایثارگران خصوصا همسران شهدا را چگونه می توان ارزیابی کرد؟

ارزیابی سیاست فرایندی است که در آن مشخص می شود یک سیاست در عمل از چه ابزارهایی استفاده کرده و در صدد تحقق چه اهدافی بوده است. آیا سیاست ها و برنامه ها به خوبی عمل کرده اند؟ آیا سیاست ها به اهدافشان دست یافته اند؟ آیا به طور مثال سیاستی که در صدد بهبود رفاه مردم بوده، رفاه آنها را تأمین کرده است؟ آیا سیاستها، پیامدهای پیش بینی ناپذیری داشته اند؟ در ارزیابی سیاست نه تنها موفقیت آن بلکه نتایج میزان مشروعیت آن هم ارزیابی می شود.

مازانیان و ساباتیر (۱۹۸۳) متغیرهای تأثیرگذار بر ارزیابی سیاست را شناسایی کرده اند. این متغیرها شامل متغیرهای زمینه‌ای، ماهیتی و ساختاری می شوند. «متغیرهای زمینه‌ای اشاره به شرایط و بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ تعهد و الزام مجریان به اجرای قانون، نگرش گروه‌های هدف و حمایت بخش عمومی را شامل می شوند. این متغیرها، بسته به آنکه دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و حتی نهادهای بین‌المللی چه نقش و جایگاهی در فرایند سیاست‌گذاری دارند و چه نوع تعاملی میان آنها برقرار است، در تعیین درون‌دادهای سیستم، ایفای نقش می کنند. به عبارت دیگر انتظار می رود نظام سیاسی به عنوان متولی و نهاد سیاست‌گذاری، در تدوین سیاست‌ها، تقاضاها و مسائل برگرفته از محیط را مدنظر قرار دهد. متغیرهای ماهیتی مربوط به مشکلات و موانع ناشی از ماهیت سیاست می شود که در طول فرایند سیاست‌گذاری با آن مواجه می شویم. متغیرهایی نظیر مسائل فنی، ناهمگونی و تنوع رفتاری گروه‌های هدف و به تبع آن دشواری اولویت‌بندی نیازها. تعدد و تنوع متغیرهای تأثیرگذار بر تعیین اولویت‌ها از مهمترین متغیرهای ماهیتی محسوب می شوند. متغیرهای ساختاری، بر فرایند اجرای سیاست‌های تعیین شده تأثیر می گذارند. این متغیرها در ارزیابی میزان اجرایی بودن سیاست‌ها نقش دارند و تا حد زیادی تحت تأثیر متغیرهای زمینه‌ای قرار دارند. این متغیرها شامل الگوهای تأمین و تخصیص منابع مالی، هماهنگی میان دستگاه‌های متولی، میزان مشارکت گروه‌های هدف و میزان صراحت

اهداف تعیین شده را شامل می‌شوند.» (امیدی: ۱۳۹۱)

در زمینه ارزیابی سیاست‌های اجتماعی معطوف به ایثارگران خصوصاً همسران شهدا، تحقیقات اندکی انجام شده است:

کیخا و همکاران (۱۳۹۶) در پیمایشی در استان سیستان و بلوچستان، تاثیر ارتباط مدیران و کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران بر رضایتمندی خانواده‌های شاهد و ایثارگر را نشان دادند و دریافتند مولفه‌های اعتماد و عدالت محوری پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری برای رضایتمندی خانواده‌های شاهد و ایثارگر است.

احمدی و فیروزی (۱۳۹۵) رابطه بین میزان بهره‌مندی ایثارگران از خدمات سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و کیفیت زندگی آنها در شهر شیراز بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که رابطه معنی‌داری بین بهره‌مندی از خدمات مسکن و معیشت با کیفیت زندگی مشاهده نشد. استفاده از خدمات مسکن، معیشت و بهداشت و درمان سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، تاثیر قابل توجهی در ابعاد کیفیت زندگی ایثارگران شهر شیراز ندارد. شهره‌آمالی خامنه (۱۳۸۶) در تحقیقی نگرش والدین، همسران و فرزندان شهدا از نحوه

توزیع و میزان اثربخشی خدمات فرهنگی بنیاد شهید در استان فارس را بررسی کرد. نتایج نشان داد: همسران در مجموع، بیشتر از فرزندان و والدین از خدمات فرهنگی رضایت داشتند و فرزندان کمترین میزان رضایتمندی را نشان دادند. در فرزندان بین دختر و پسر تفاوتی مشاهده نشد. افرادی که در سطح تحصیلات بالا بودند برخی از این خدمات را نسبتاً رضایت‌بخش ارزیابی کردند.

دهستانی اسفندآبادی (۱۳۸۳) در پژوهشی ملی تحت عنوان: نیازسنجی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های معظم شاهد، با نمونه ۱۲۰۰ نفر دریافت که در مجموع، نیازهای فرهنگی و اجتماعی در اولویت بالاتری قرار دارند، اولویت اول نیازهای خانواده‌های معظم شاهد در استان‌های همدان و زنجان فرهنگی، در استان‌های فارس، اصفهان و گیلان اجتماعی و تنها در استان تهران اولویت نخست، اقتصادی بوده است.

سیاست‌گذاری‌های اجتماعی‌ای که تا کنون در حوزه حمایت‌های اجتماعی از همسران شهدا اتخاذ گردیده است نیازمند بازنگری و به روز رسانی جدی می‌باشد چرا که سیاست‌گذاری‌های موجود منطبق با سبک زندگی همسران شهدا در دهه شصت و

هفتاد بوده است؛ تصویب لوایح و قوانینی که راه را در جهت تسهیل امر مسکن، حضانت، اشتغال، تحصیل، حق بیمه درمان و ... برای همسران شهدا در نظر گرفته شده است، امروزه دیگر مابه ازای بیرونی نداشته و در حال حاضر با توجه به ورود همسران شهدا به مرحله میانسالی و سالمندی و بطور کلی تغییر در نیازمندی ها و فاکتور های احساس رضایت‌مندی در زندگی برای ایشان، بنابراین این قشر مطالبات و مناسبات اجتماعی دیگری را طلب می کنند. لذا سیاست گذاری های اجتماعی در خصوص این بانوان بایستی با مطالعه و اقدامات علمی و صحیح صورت گیرد تا علاوه بر کارایی، اثربخشی لازم را نیز در بین جامعه هدف خود داشته باشد. در این تحقیق درصددیم به این سوال پاسخ دهیم که از نظر همسران شهدا، سیاست های اجتماعی بنیاد شهید بخصوص در ارتباط با همسران شهدا تا چه میزان متناسب با نیازهای این گروه هدف است؟

## ۲. روش تحقیق

برای دستیابی به داده‌ها در حوزه مفاهیم و سؤالات تحقیق، از روش کیفی و رویکرد روایت‌پژوهی با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. واژه «روایت» را می‌توان به هرگونه متن یا گفتمانی نسبت داد یا این‌که از آن برای اشاره به حالت خاصی از پویا در پژوهش کیفی استفاده کرد که کانون تمرکز آن داستان‌های نقل شده توسط افراد است. اما در مجموع روایت، متنی گفتاری یا نوشتاری است که حاکی از یک رویداد/ اقدام یا مجموعه‌ای از رویدادها/ اقدامات است که پیوندی تقویمی با هم دارند. یعنی به لحاظ زمانی در یک بازه مشخص و قابل اندازه‌گیری رخ داده‌اند. محققان برحسب استراتژی‌های تحلیل، نوع متفاوتی از روایت‌پژوهی را برمی‌گزینند. در این تحقیق، استراتژی داستان تجربه شخصی<sup>۱</sup> مدنظر است که به ما اجازه می‌دهد تا تجربه زنان را در یک موقعیت خاص به تصویر بکشیم و داستان‌هایی را گزارش کنیم که قبل‌تر خاموش بودند یا نادیده گرفته می‌شدند. روایت‌پژوهی یعنی داستان‌های زیسته و نقل شده (کراسول: ۱۳۹۴)

در رویکرد روایت‌پژوهی، داده‌های تحقیق به سه روش مصاحبه روایی، مصاحبه اپیزودیک<sup>۲</sup> و مصاحبه مساله محور جمع‌آوری می‌شوند. دو روش اخیر نوعی مصاحبه نیمه ساختاریافته (دارای سؤالات از پیش آماده) محسوب می‌شوند و محقق مصاحبه مساله محور



را برای گردآوری داده‌های تحقیق انتخاب کرد. مصاحبه مساله محور مبتنی بر مصاحبه کیفی یعنی پرسشنامه کوتاه قبلی، راهنمای مصاحبه، ضبط مکالمات و یادداشت برداری پس از مصاحبه است. کندوکاو و پرس و جوی بیش تر، اطلاعات بیش تری درباره آنچه تا آن لحظه مطرح شده در اختیار محقق قرار می دهد. کانون توجه تلفیق روایت‌ها و سوال‌های پیشنهادی بر نگرش مصاحبه‌شونده نسبت به مساله موردنظر محقق متمرکز است.

### جامعه آماری:

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان ساکن شهر تهران است که همسر آنها در جریان جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند. نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی) بود و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت با ۲۳ مصاحبه پایان یافت. هر جلسه مصاحبه به وسیله تجهیزات ضبط صدا ثبت شدند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان مایل نبودند صدا و سخنان او در مورد موضوعات حساس، ضبط شود، در این مواقع ضبط خاموش و جملات اطلاع‌رسان در حضور آنها و در مواردی بعد از جلسه مصاحبه مکتوب شد. تمام مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و رونویسی شد. سپس محقق بر اساس جملات معنادار و مهم هر مصاحبه، خوشه‌های معنایی مختلف را ساخت و مضمون‌های اصلی را گزارش کرد. در تحقیق به تجربه زیسته همسران شهدا پرداخته شده است تا تصویر روشنی از وضعیت موجود و مشکلات همسران شهدا، به دست آید و بر اساس آن درباره سیاست اجتماعی بنیاد شهید معطوف به ایثارگران خصوصاً همسران شهدا از حیث بسندگی محتوا، نحوه اجرا و تناسب این سیاست با نیازهای گروه هدف داوری نمود. مشخصات عمومی همسران شهدای مورد مصاحبه در جدول زیر آمده است؛ برای حفظ گمنامی و حریم شخصی مصاحبه‌شوندگان به جای نام از شماره کد استفاده شده است:

جدول ۱. مشخصات عمومی همسران شهدای مورد مصاحبه:

کد	سال تولد	سال ازدواج	سال شهادت همسر	فرزندان از همسر شهید	سال ازدواج مجدد وضعیت فعلی تأهل	فرزندان از همسر دوم	تحصیلات	شغل
۱	۱۳۳۵	۱۳۵۰	۱۳۶۴	دو پسر	-	-	دکترای حقوق	مشاور حقوقی
۲	۱۳۳۹	۱۳۵۴	۱۳۶۷	دو فرزند	-	-	دیپلم	خیاط
۳	۱۳۳۶	۱۳۵۹	۱۳۶۳	دو پسر	۱۳۶۴- مطلقه	یک دختر	دیپلم	خانه دار
۴	۱۳۴۲	۱۳۵۹	۱۳۶۵	سه فرزند	-	-	کارشناسی الهیات	دبیر
۵	۱۳۴۰	۱۳۶۰	۱۳۶۶	دو دختر	۱۳۷۱	-	ارشد	دبیر
۶	۱۳۳۹	۱۳۶۰	۱۳۶۶	سه فرزند	-	-	ارشد تربیت بدنی	مربی ورزش
۷	۱۳۳۸	۱۳۶۱	۱۳۶۷	دو دختر	-	-	دیپلم	مشاغل خانگی
۸	۱۳۳۸	۱۳۵۹	۱۳۶۳	-	۱۳۶۷ با جانباختن	دو فرزند	دکترای روانشناسی	روانشناس
۹	۱۳۳۴	۱۳۵۰	۱۳۶۲	دو دختر	-	-	دیپلم	خانه دار
۱۰	۱۳۳۶	۱۳۵۶	۱۳۶۲	سه پسر	-	-	دیپلم	خانه دار
۱۱	۱۳۴۵	۱۳۶۵	۱۳۶۷	دو پسر	-	-	کارشناسی علوم آزمایشگاهی	خانه دار
۱۲	۱۳۳۰	۱۳۵۰	۱۳۶۴	پنج فرزند	-	-	لیسانس اقتصاد	کارمند
۱۳	۱۳۴۰	۱۳۶۰	۱۳۶۲	یک دختر	-	-	دکترا	وکیل
۱۴	۱۳۳۸	۱۳۶۰	۱۳۶۷	دو فرزند	-	-	ارشد پرستاری	پرستار
۱۵	۱۳۴۵	۱۳۶۰	۱۳۶۴	دو فرزند	-	-	ارشد ادبیات	معلم زبان
۱۶	۱۳۳۸	۱۳۶۰	۱۳۶۶	سه فرزند	-	-	دیپلم	خیاط
۱۷	۱۳۴۱	۱۳۶۰	۱۳۶۷	دو فرزند	-	-	دکترای فیزیک	استاد دانشگاه
۱۸	۱۳۳۹	۱۳۵۹	۱۳۶۷	چهار فرزند	-	-	دیپلم	خانه دار

دبیر	ارشد فلسفه	-	۱۳۷۵- مطلقه	دو فرزند	۱۳۶۷	۱۳۶۰	۱۳۴۶	۱۹
معلم علوم دینی	ارشد الهیات	-	-	دو فرزند	۱۳۶۵	۱۳۶۰	۱۳۴۰	۲۰
تکنیسین اتاق عمل	کارشناسی	یک دختر	۱۳۷۲- بیوه	سه فرزند	۱۳۶۴	۱۳۵۶	۱۳۳۸	۲۱
تعلیم رانندگی	کارشناسی	دو فرزند	۱۳۶۳- مطلقه	یک پسر	۱۳۶۰	۱۳۵۷	۱۳۴۲	۲۲
فروشنده	سیکل	چهار فرزند	۱۳۶۲ با جانباز	یک پسر	۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۴۷	۲۳

### ۳. یافته‌های تحقیق

بر اساس محورهای اصلی مصاحبه می‌توان ابعاد گوناگون تجربه زیسته همسران شهدا را دسته بندی نمود:

۱. مشکلات اقتصادی سرپرستی خانواده: حضانت، تامین معاش، بیمه و درمان، مسکن.
۲. مشکلات تربیت فرزندان: چالش‌های فرزندپروری در غیاب پدر، سرکشی‌های بلوغ.
۳. توانمندسازی زنان: تحصیل، اشتغال، استقلال مالی.
۴. عدم پاسخ به نیازهای عاطفی و روانی: خدشه دار شدن روابط اجتماعی، محرومیت عاطفی، افسردگی.
۵. مشکلات ازدواج مجدد: فشار برای ازدواج مجدد، ازدواج‌های نامناسب، طلاق و جدایی.

۶. نگرانی بابت ایام سالمندی خود: تنهایی، کم توانی و بیماری هر کدام از محورهای زیر را بخشی از تجربه مشترک همسران شهدا به طور خاص و زنان سرپرست خانوار به طور عام است. در اینجا به ابعاد تجربه زیسته همسران شهدا از خلال مصاحبه‌های انجام شده و نیازها و مشکلات آنها اشاره می‌شود و در عین حال سیاستها و عملکرد بنیاد شهید در پاسخ به نیازهای هر محور خاص نیز مرور می‌گردد.

### ۳-۱- مشکلات اقتصادی سرپرستی خانواده

بنا بر هنجارهای فرهنگی و نظام حقوقی، مرد سرپرستی و ریاست خانواده را به عهده دارد. همسران شهدا در غیاب همسر خود با بار سنگین سرپرستی خانواده روبرو شدند. البته

بسیاری از آنان در دوران حضور همسر خود در جبهه ها به طور غیررسمی وظیفه رتق و فتق امور منزل و رسیدگی به کودکان را برعهده داشتند اما با شهادت همسر، وضعیت آنها و شرایط خانواده تغییر کرد و مشکلات جدیدی مطرح شد که اولین آنها بحث حضانت و نگهداری از فرزندان بود. در مجلس شورای اسلامی دوره اول، قوانینی برای حمایت از زنانی که همسرانشان به شهادت رسیدند وضع شد از جمله قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادرشان (مصوبه دیماه ۱۳۶۰) علت آن انتقاداتی بود که از سوی برخی همسران شهدا نسبت به جدا کردن فرزندانشان از آنان از سوی قیوم قانونی (جد پدری) صورت گرفت (سرمدی، ۱۳۹۷) بر اساس مصوبه مجلس هزینه متعارف زندگی این فرزندان که از اموال موروثی خودشان یا از طریق بودجه دولت پرداخت می شود، در اختیار مادرشان قرار می گیرد مگر آنکه دادگاه صالح پس از دعوی، حکم عدم صلاحیت مادر را صادر کند. تا سالها سیاست اصلی بنیاد شهید تشویق همسران شهدا به ازدواج و قطع مستمری آنها بود (بنا بر مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ ازدواج مجدد همسر شهید موجب قطع مستمری نمی شود و حقوق قطع شده آنها دوباره برقرار شد) برای همسران شهدا تسهیلات مالی مختلفی به تصویب رسید:

۳-۱- تامین معاش: مرد در خانواده نقش نان آور را به عهده دارد. در خانواده شهید به دلیل شهادت مرد خانواده، تامین معاش افراد تحت تکفل شهید (همسر و فرزندان) با مشکل روبرو شد. از این رو، بنا بر قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، بنیاد شهید و امور ایثارگران با پرداخت مستمری به والدین، همسر و فرزندان شهید این مشکل را جبران و شرایط زندگی عزتمندان آنها را فراهم می سازد. در مواردی که شوهر کارمند رسمی بود با انتقال حقوق مشکل تامین معاش خانواده برطرف می شد اما تجربه زیسته همسران شهدا نشان می دهد که به دلیل مشکلات اداری و کثرت مراجعان، به جز یک نفر (همسر شهید سپاهی) بقیه بین یک تا پنج سال با مشکلات مالی دست به گریبان بودند تا مستمری آنها برقرار شود. مصاحبه شونده کد ۲۱ از تجربه خود می گوید: «مصاحبه شونده کد ۲۱ نیز تجربه مشابهی دارد: همون اوایل حقوق شوهرم را دیر وصل کردند. شوهرم کارمند جهاد کشاورزی بود حقوقش را وزارت جهاد می داد به بنیاد، بنیاد باید واریز می کرد اما دیر این کار را می کرد. من دانشجو بودم و در عین حال سه فرزند داشتم. خوب زندگی بسیار

سخت بود و بنیاد هم به خاطر کثرت مراجعه کننده خیلی رسیدگی نمی کرد.» در یک مورد عجیب با وجود واریز حقوق از دستگاه مربوطه به بنیاد شهید، هشت سال تمام خانواده شهید بی اطلاع و بدون مستمری بودند.

**۳-۱-۲- بیمه و درمان:** بنا بر قانون، در کنار پرداخت مستمری ثابت، هزینه های دارو و درمان همسران شهدا نیز از بودجه عمومی پرداخت می شوند، فصل سوم قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران به بهداشت و درمان پرداخته است. بنا بر اظهارات مصاحبه شوندهگان، پوشش بیمه ناکافی است و مواردی چون دندانپزشکی و درمان های مکمل را دربر نمی گیرد.

**۳-۱-۳- مسکن:** مرور تجربه زیسته همسران شهدا نشان می دهد در مواردی خانواده دارای مسکن مستقل بود یا با خانواده شوهر زندگی می کرد و تامین مسکن و اجاره نشینی، جزو مشکلات و معضلات همسر شهید نبود. موارد اندکی مثل مصاحبه شونده کد ۷ بابت نداشتن مسکن و اجاره نشینی به سختی افتاده بودند: «مسکن نداشتیم، وام هم برای من سخت بود نمی توانستم برگردانم. چند سالی اجاره یودم هزینه اش سنگین بود. چند بار به بنیاد مراجعه کردم ترتیب اثر ندادند. می گفتند نوبت شما نشده، درکی از شرایط نداشتند. این مرا آزار می داد. طبقه پایین منزل عمومی ساکن شدیم چند سال تا اینکه با وام محل کار شوهرم توانستم منزل بگیرم.»

تعدادی از مصاحبه شوندهگان که قبل تر دارای خانه بودند توانسته بودند با استفاده از وام مسکن بنیاد خانه بزرگتر و چند طبقه بگیرند و با اجاره دادن خانه، سرمایه گذاری کرده و کمک خرج داشته باشند. وام مسکن بنیاد مشکل مسکن خانواده شهدا را حل کرده بود با این حال پرداخت اقساط وام مسکن برای تعدادی از همسران شهدا سخت بود، مصاحبه شونده کد ۱۷ از تجربه خود می گوید: «تا چند سال بعد شهادتش که بیمه وصل نشده بود وام را هم نمی دادند. ثبت نامی بود بعد چند سال که هی مراجعه کردیم وام مسکن دادند. ما یه دو طبقه ساختیم چون خانه خودمان اجاره بود یه دو طبقه ساختیم و طبقه بالا نشستیم و پایین را اجاره دادیم. اما اقساط خانه خیلی زیاد شد. تقریباً ۴۰ میلیون گرفتیم ۶۰ میلیون پس دادیم. اما حدود ۱۰ سال طول کشید. خوبی وام مسکن بنیاد اینه که از ما سوال می کنند چه مدلی راحتی پس بدی. اینش خوبه. البته از طرفی هم خوب نیست چون به ما که دیگه

همسر شهیدیم و وضع و حالمون معلوم که دیگر نباید سود بخوره چرا نباید قرض الحسنه باشه؟ باید یه فرقی داشته باشیم؟»

باآنکه تسهیلات وام مسکن در دهه هفتاد بسیاری از همسران شهدا و فرزندانشان را صاحبخانه کرد اما همچنان تعدادی از همسران شهدا از وام مسکن استفاده نکرده اند، تعدادی از همسران شهدا به دلایلی چون تهیه جهیزیه یا سوء استفاده مالی توسط شوهر دوم ناچار به فروش خانه شده و هنوز مستاجر هستند. به جز این مطالبه ارث توسط فرزندان شهدا نیز یکی از دلایل فروش خانه است که در بین نمونه های تحقیق نبود ولی مصاحبه شوندهگان به آن اشاره کردند.

۳-۱-۴- **مساعدت مالی:** در قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، حمایت های مالی دیگری نیز به شکل تسهیلات تهیه خودرو (موضوع ماده ۴۵) وام ازدواج دو برابر ضوابط بانکی (موضوع ماده ۵۰)، هدیه ازدواج دو برابر میزان مصوب (موضوع ماده ۴۹) و تخفیف پنجاه درصدی بیمه عمر (موضوع ماده ۴۶) نیز پیش بینی شده است. همسران شهدا عموماً از این تسهیلات استفاده نکرده بودند و تعدادی از مصاحبه شوندهگان بابت عدم دریافت وام جهیزیه برای ازدواج دخترشان گلایه مند بودند، یکی از مصاحبه شوندهگان ناچار شده بود برای تهیه جهیزیه خانه خود را بفروشد و اکنون مستاجر است. چند نفر دیگر نیز تنها توانسته بودند وام قرض الحسنه کوتاه مدت بگیرند.

همانطور که مرور سیاست های حمایتی ایثارگران نشان داد، وظایف بنیاد شهید و امور ایثارگران امور متعددی از مسکن، بیمه و درمان تا تحصیل و اشتغال را دربرمی گیرد. تعدد وظایف این سازمان اداری پیامدهایی دارد از جمله تمایل سازمان به کاهش تعداد درخواست ها و سبک تر کردن وظایف سازمانی. این تمایل خود را به شکل عدم اطلاع رسانی دقیق و اکتفا به مراجعان نشان می دهد. تمامی مصاحبه شوندهگان بابت ضعف اطلاع رسانی بنیاد گلایه داشتند. سایت بنیاد دیر به دیر بروزرسانی می شود و یکی از مصاحبه شوندهگان باور داشت که «سیاست بنیاد بر بی اطلاع نگهداشتن همسران شهداست» از سوی دیگر محوریت مراجعه حضوری نیز باعث نارضایتی بود، تعدادی از همسران شهدا به علت محل اقامت (روستا) یا شرایط جسمی (بیماری و کم توانی) یا بی اطلاعی امکان مراجعه حضوری را ندارند و از بسیاری از خدمات و مزایا محروم می مانند. نتیجه اینکه بوروکراسی اداری در

بنیاد شهید و امور ایثارگران باعث شده تا محروم‌ترین و نیازمندترین خانواده‌ها که انگیزه، توانایی یا آگاهی دربارهٔ روال‌های اداری ندارند، نادیده گرفته شوند.

### ۳-۲- مشکلات تربیت فرزندان:

یکی از کارکردهای اصلی خانواده کارکرد فرزندپروری و جامعه‌پذیری فرزندان است. همسران شهدا در فقدان پدر خانواده باید نقش مادری و پدری را توأمان اجرا می‌کردند که بار سنگینی برای همسران شهدا بود. در غیاب پدر، فرزندان بخصوص فرزندان پسر در فرآیند جامعه‌پذیری خود و یادگیری رفتارها و هنجارهای متناسب با جنس، با مشکل روبرو می‌شوند. دوران نوجوانی فرزندان از سالهایی است که معمولاً والدین با فرزندان خود دچار چالش هستند، نوجوانان با سرکشی، بدزبانی، ناسازگاری و نقض عمدی قوانین به دنبال اثبات هویت مستقل و بزرگسالی خود هستند. مواجهه با مشکلات دوران بلوغ و سرکشی‌های نوجوانی فرزندان بخش مهمی از تجربه والدگری است و همسران شهدا به دلیل تک والد بودن خانواده، بیشتر چالش دوران نوجوانی فرزندان را لمس کردند خصوصاً اینکه بخش مهمی از ناسازگاری‌های دوران بلوغ فرزندان شهدا در واکنش به فقدان پدر بود.

مدارس شاهد در سال ۱۳۶۴ به منظور رسیدگی بهتر به وضعیت آموزشی فرزندان شهدا با همکاری وزارت آموزش و پرورش تاسیس شدند (که تا سال ۱۳۷۶ در مجموع مالکیت ۷۱۶ مدرسه را شامل می‌شد). اکثر مصاحبه‌شوندگان به نقش مثبت مدارس شاهد در حل مشکلات دوران نوجوانی فرزندان بخصوص فرزندان پسر اشاره کردند که به دلیل همسان بودن شرایط دانش‌آموزان (از نظر فقدان پدر) و اهتمام معلمان و مشاوران مدرسه به درک شرایط خاص و حمایت از دانش‌آموزان به آنها کمک کرد تا سرکشی و ناسازگاری دوران نوجوانی را پشت سر بگذارند. مصاحبه‌شونده کد ۱۱ روایت می‌کند: «پسرهایم دوقلو هستند چون دوتایی با هم بودند مشکلات کمتر بود خیلی دنبال دوست و رفیق نبودند. اما خوب بهر حال پسر بچه بودند و فقدان پدر اذیت‌شان می‌کرد بچه‌های عموهایشان را می‌دیدند که پدر دارند و مهر پدری را می‌دیدند ولی پدر خودشان نبود. بچه‌های من خیلی کوچک بودند که شوهرم شهید شد اما در سن بلوغ که بودند خیلی اذیت شدند. و بهانه‌گیری می‌کردند البته مدرسه شاهد و اپیدمی بودن شرایط خیلی کمک کرد.»

با این حال مصاحبه شونده کد ۱۵ بزرگترین مشکل مدرسه شاهد و به طور کلی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت را این گونه خلاصه می کند: «فرزندان شهدا با کلیشه قهرمان سازی مواجهند پدرانشان را اسطوره می کنیم بعد این بچه دیگه نه درس می خونه، نه کار می کنه، یعنی هیچی. الگوسازی انتزاعی از پدر را به ما توصیه می کردند و این خود اول مشکلات بود. فرزندانم مغرور بودند. هر شغلی را قبول نمی کردند چون معتقد بودن ما فرزندان فلان شهیدیم؛ جایگاه پدرشان را طلب می کردند.»

عدم آموزش مهارت های زندگی در دوران دبیرستان و سالهای جوانی یکی از انتقادات همسران شهداست. مصاحبه شونده کد ۱۱ به جای خالی کارگاه های مهارت آموزی به فرزندان اشاره دارد: «ایراد بزرگ بنیاد شهید این است که مشاوران مراکز مشاوره نمی توانند مشاوره درستی به پسرای که پدر به خود ندیده اند بدهد؛ پسران شهدا مهارت های شوهری کردن را نمی دانند و این مشکل آفرین است.» چند نفر از همسران شهدا به ازدواج ناموفق فرزندانشان (دختر و پسر) یا مجرد بودن (بخصوص پسرها) به دلیل نداشتن بلوغ فکری و احساسی لازم برای ازدواج اشاره می کنند و بابت آینده فرزندان خود نگران هستند. تعدادی از همسران شهدا بیکاری فرزندان را یکی از نگرانی های خود اعلام می کنند. در مجموع می توان گفت که بنیاد شهید انقلاب اسلامی در زمینه مهارت آموزی و توانمندسازی فرزندان شهدا کمتر از آنچه مورد انتظار و نیاز همسران شهدا بوده، عمل کرده است.

**۳-۳- توانمندسازی زنان** رویکرد توانمندسازی بخشی از ادبیات نظریه توسعه پایدار است که درصدد است منابع دسترسی و کنترل بیشتری در اختیار زنان قرار دهد تا از این طریق بتوانند با قدرت بیشتری در جامعه و بازار کار حضور یابند. طرفداران این نظریه معتقدند باید به زنان از طریق افزایش مهارت های شخصی، توان و قدرت برای گزینش شیوه های مناسب زندگی داده شود. تسهیلات تحصیل و تبعیض مثبت برای رسیدن به مشاغل دولتی برای همسران شهدا را می توان به عنوان بخشی از رویکرد توانمندسازی زنان دید.

**۳-۳-۱- تحصیل همسر شهید:** در کنار سیاست های حمایتی پرداخت مستمری، معافیت مالیاتی، درمان و مسکن؛ تحصیل به عنوان راهکاری برای توانمندسازی ایثارگران در نظر گرفته شده است. سهمیه قبولی در دانشگاه و استفاده از امکانات آموزش عالی و



تحصیلات رایگان یکی از مصادیق تبعیض مثبت به نفع همسران شهداست. در صورت عدم برخورداری فرد از تحصیلات رایگان، پرداخت شهریه دانشگاه با بنیاد است (ماده ۶۶ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران) در این بخش تذکر این نکته لازم است که در قوانین قبلی این حمایت مالی شامل همسران شهید نمی شد و در قانون جامع ایثارگران مصوب سال ۹۱ بود که تحصیل همسران رایگان شد آن هم در حالی که عموم همسران شهدا به علت اتمام تحصیلات یا کبر سن، فرصت استفاده از این تسهیلات را ندارند. چند نفر از مصاحبه شوندگان از سهمیه تحصیل در دانشگاه استفاده کرده بودند. با این حال این سهمیه را بیشتر برای فرزندان خود مفید می دانستند.

**۳-۲- استخدام در مشاغل دولتی:** فصل چهارم قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران به تسهیلات اداری و استخدامی اختصاص یافته است. بنا بر ماده ۲۱ این قانون دستگاه های دولتی «مکلفند حداقل بیست و پنج درصد از نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را به خانواده های ایثارگران اختصاص دهند» بنا بر آمار، از ۵۶ هزار همسر شهید دوازده هزار نفر شاغل بودند، مشخص نیست از این تعداد چند درصد قبل از سهمیه اشتغال استفاده کرده اند. از میان مصاحبه شوندگان تعدادی از همسران شهدا از سهمیه اشتغال استفاده کرده بودند اما دو سه نفر نیز بابت اینکه واجد شرایط استخدام تشخیص داده نشده بودند، گلایه مند بودند.

در قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، افرادی که با تبعیض مثبت و سهمیه به مشاغل خود دست یافته اند، از مزایای دیگری نیز بهره مند می شوند: فوق العاده ایثارگری در حقوق ماهانه که معادل ۲۵ درصد حداقل حقوق کارکنان دولت است (موضوع ماده ۵۱)، معافیت مالیاتی صددرصد (موضوع ماده ۵۶)، یک تا پنج سال ارفاق سنواتی بازنشستگی برای همسران شهدا و جانبازان و کاهش ساعات کاری (موضوع ماده ۲۴)، پرداخت کسورات بازنشستگی از بودجه عمومی (موضوع ماده ۳۷). تجربه زیسته همسران شهدا نشان می دهد که تمام همسران شهدای شاغل از این مزایا برخوردار نشده بودند. سه نفری که در آموزش و پرورش خدمت می کردند توانسته بودند از پنج سال ارفاق بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند اما به دلیل نوع کار خود کاهش ساعات کار شامل آنها نمی شد. از سوی دیگر دو نفری که در وزارت بهداشت و درمان شاغل بودند به دلیل سیاست خاص این وزارتخانه

نتوانسته بودند از مزایای بازنشستگی پیش از موعد و کاهش ساعات کار استفاده کنند. مصاحبه شونده کد ۱۴ اذعان داشت: ارتقای رتبه شغلی در وزارت بهداشت و درمان و وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری اجرا نمی شود و باعث نارضایتی و احساس تبعیض در همسران شهدای شاغل این دو وزارتخانه است. عدم پرداخت فوق العاده ایثارگری به همسران شاغل و بازنشسته یکی دیگر از دلایل همسران شهدا برای احساس تبعیض و نادیده گرفته شدن در قوانین است.

### ۳-۴- عدم پاسخ به نیازهای عاطفی و روانی:

در این پژوهش مصاحبه شوندگان (همسران شهدا) موقعیت بیوگی را مهم نمی دانستند. تعدادی از مصاحبه شوندگان نه تنها تجربه ناخوشایندی نداشتند که برحسب «بیوگی» را نفی می کردند. مصاحبه شونده کد ۶ می گوید: من خودم را بیوه معرفی نمی کردم. همسر شهید بودن افتخار است. منزلت همسر شهید با یک زنی که مثلاً طلاق گرفته خیلی فرق دارد. من مطلقه نبودم که همسایه ها از من احساس خطر کنند. من همسر شهید بودم و خون شهید شرافت و کرامت دارد.»

با این حال همچنان محرومیت عاطفی و احساس تنهایی در رتق و فتق امور زندگی بخشی از تجربه زیسته همسران شهدا بود. تعدادی از مصاحبه شوندگان صریح تر از دیگران نیازهای عاطفی ناکام و محرومیت های خود بعد در طول سالهای پس از شهادت همسر را بیان کردند: مصاحبه شونده کد ۲ به خاطر عدم درک و همدلی اطرافیان دل آزرده است: «من نیاز روحی و جسمی داشتم. کسی متوجه نبود. در جمع فامیل چند بار که ابراز ناراحتی کردم طلبکارانه گفتند چته حالا شوهر نداری دیگه. ناراحتی نداره، زندگی تو بکن، این عدم درک دیگران مرا به شدت آزار می داد. به راحتی می گویند شوهر نداری دیگه چیزی نشده که.» همسران شهدا در رتق و فتق امور روزمره احساس تنهایی می کنند و دچار نگرانی و گاه افسردگی می شوند. اما افراد اندکی توانایی همدلی و درک احساسات آنها را دارند. مصاحبه شونده کد ۱۷ نیز می گوید: «تنها هستم. این اهم محرومیت است. خوب هرچی هم که باشه من همسر شهیدم این اسم مسئولیت دارد. من نمی توانم به همه کس همه چیز را بگویم. سفره دلم را نمی توانم باز کنم.»

خدمات مشاوره بنیاد رایگان است و در کل کشور ۳۰۰ مرکز مشاوره و شهر تهران حداقل چهار مرکز مشاوره در دسترس هستند اما تعداد اندکی از مصاحبه شوندگان از خدمات مشاوره استفاده کرده بودند و به جز در مورد مشاوره ازدواج فرزندان در موارد دیگر علیرغم مراجعه به مراکز و مشورت با کارشناسان اما از نوع مشاوره روان شناسان مراکز رضایتی نداشتند. مصاحبه شونده کد ۱۸ روایت می کند: «من اگر در کنار همسرم بودم قطعاً می توانستم بچه ها را بهتر تربیت کنم. دختران من از پدر محروم بودند من بخشی از ماجرا بودم، دختران من اگر پدر داشتند و اگر پشتوانه داشتند شاید خوشبخت تر بودند. شوهرانشون یتیم گیر نمی آوردند که کتک بزنند و بدرفتاری کنند (هر دو دختر طلاق گرفتند)»

همسران شهدا یک گروه اجتماعی هستند که مشکلات و مسیر زندگی مشابهی را تجربه کرده اند و شرکت در جلسات منظم گفتگو و حتی سفر به آنها امکان می دهد تا بخشی از نیازهای عاطفی و روانی خود و ساعات تنهایی را با استفاده از شبکه اجتماعی همگنان پر کنند اما مصاحبه شوندگان توافق داشتند که پرداختن به خدمات و تسهیلات ورزشی و برنامه های تفریحی از اولویت برنامه های بنیاد نیست و با وجود این که گاهی در قالب برخی برنامه های اردویی و زیارتی این اقدام صورت می گیرد لکن این امر بیشتر از طریق برنامه ریزی های خود جوش همسران شهدا و از طریق توافق با رابطین بنیاد شکل اجرایی به خود می گیرد. مصاحبه شونده کد یک از تجربه خود می گوید: «یک جمعی داریم همسران شهدا گاهی با هم به سفر می رویم اما خودمان هستیم که این جمع را راه انداخته ایم. بنیاد اصلاً برای برنامه های رفاهی و اردویی همسران شهدا هیچ برنامه ای نداشته است؛ ما هیچ وقت خدمات فرهنگی از بنیاد دریافت نکردیم.»

### ۳-۵- مشکلات ازدواج مجدد

تعدادی از مصاحبه شوندگان گفتند که اهل ازدواج مجدد نیستند (مصاحبه شونده کد ۲۰) اما چند نفر به خاطر مخالفت خانواده خود این گزینه را کنار گذاشته بودند؛ در مواردی نیز به خاطر بچه ها از ازدواج مجدد منصرف شده بودند (مصاحبه شوندگان کد ۱۳ و کد ۱۱) چند نفر نیز با پیشنهاد ازدواج موقت توسط مردان متأهل روبرو شده بودند. مصاحبه

شونده کد ۱۷ نیز چنین تجربه ای دارد: «پیشنهاد صیغه داشتم؛ رد کردم. یکی از دوستانم صیغه شدند، یارو ازشون پول گرفت، سوء استفاده کرد و بعد هم گذاشت رفت. به صیغه حس خوبی نداشتم لذا همیشه تنها ماندم.»

در دهه شصت و سالهای جنگ همسران شهدا تشویق می شدند تا دوباره ازدواج کنند. مصاحبه شونده کد ۲۲ می گوید: «کروبی خیلی هوای بچه شهید ها رو داشت اما یه سیاست بدی داشت اونم این بود که اصرار می کرد همسران شهدا شوهر کنند. این ترغیب کردن های متعدد ما را فریب داد و دست به انتخاب های نادرست زدیم، مشکل همسران شهدا جوانی و کمبود عاطفه بود. بنیاد باید کلاس می گذاشت به ما آموزش تاب آوری می داد. آموزش تحمل کردن، آموزش انتخاب آگاهانه. اما بنیاد همش دنبال تامین نیازهای مالی بود. کار فرهنگی آموزشی تربیتی صفر بود، هنوزم صفره. ما ناآگاهانه انتخاب مجدد کردیم و باختیم.»

ازدواج مجدد همسران شهدا پیامدها و تبعات مختلفی به همراه داشت. اولین پیامد ازدواج مجدد، قطع رابطه خانواده شهید بود. یکی از پیامدهای ازدواج مجدد همسر شهید، قطع مستمری شهید بود که این موضوع طی قانونی در سال ۱۳۷۵ متفی شد و همسران شهدا حتی پس از ازدواج مجدد نیز کماکان مستمری خود را دریافت می نمایند. در واقع تا آن زمان سیاست تشویق همسران شهدا به ازدواج مجدد به منظور کاهش تعداد مستمری بگیران و بار مالی بنیاد شهید اتخاذ شده بود. بزرگترین چالش ازدواج مجدد همسران شهدا، تعامل با فرزندان و ایفای نقش پدری توسط شوهر دوم بود. از هفت مورد مصاحبه شونده گانی که دوباره ازدواج کرده بودند تنها یک نفر بدون فرزند بود و از بین شش نفر باقی مانده، سه مورد دیگر ناسازگاری و عدم تعامل بین همسر دوم و فرزندان شهید را گزارش کردند، مصاحبه شونده کد ۱۹ خشونت خانگی را گزارش می کند: «همسرم تحمل دیدن آسایش فرزندانم را نداشت. با بچه ها کل کل می کرد و دعوایشان می کرد. دنبال بهانه بود که پسر را کتک بزند. مدام واسطه بودم. مدام بچه هایم کوتاه می آمدند و من امر می کردم که با او کنار بیایید ولی دیگر از یه جایی به بعد من هم کم آوردم.»

عدم توجه بنیاد شهید به ضرورت کارگاه های توانمندسازی و مهارت آموزی همسران شهدا در کنار سیاست تشویق آنها به ازدواج مجدد بدون نظارت بعدی تبعاتی چون

ازدواج‌های ناموفق، طلاق و جدایی همسران شهدا در پی داشت. از بین ۲۳ نفر مصاحبه شونده این تحقیق، هفت نفر مجدداً ازدواج کرده بودند. از این بین دو نفر با جانباز ازدواج کرده بودند که از زندگی مشترک خود رضایت دارند اما سه نفر که خود را قربانی مردان طمع کار می‌دیدند، طلاق گرفته بودند. مصاحبه شونده کد ۱۹ می‌گوید: «من قربانی ازدواج دوم احمقانه شدم. مردی که فقط بخاطر مزایای همسران شهدا آمد. وام می‌گرفت و چیزی هم خرج ما نمی‌کرد و دنبال کسب و کار خودش بود. حمایت قضایی از من نشد، چند بار پول و کیل و دادگاه دادم بی نتیجه. تا دفعه آخر که دیگه بر اثر ضرب و شتم قاضی حکم طلاق داد.» تعدادی از همسران شهدا که در ازدواج مجدد خود یا طلاق فرزندان‌شان با مشکل روبرو شده بودند به ضعف حمایت قضایی و مشاوره حقوقی بنیاد اشاره می‌کنند.

### ۳-۶- نگرانی بابت ایام سالمندی خود:

با بالا رفتن سن و رسیدن به ایام سالمندی، مسائل جدیدی را تجربه می‌کنند. از یک طرف مشکلات جسمی، کم توانی و بیماری آنها را درگیر می‌کند و از سوی دیگر باید با مشکلات تنهایی کنار بیایند. مصاحبه شونده کد ۱۳ شرایط خود را چنین توصیف می‌کند: «کسی را ندارم. خواهرم هستند. مادر و پدرم پیر هستند و من باید کمک‌شان کنم. سعی می‌کنم مشکلاتم را خودم حل کنم. و در مریضی به هر نحو خودم را مدیریت کنم چاره‌ای دیگر نیست.» مصاحبه شونده کد ۲۲ نیز نگران این است که پسرش به خاطر تنها نماندن او ازدواج نمی‌کند: «پسر کوچکم ازدواج نکرده. می‌گه بخاطر مادرم مجرد می‌مونم. نگرانی اصلی م بخاطر همین بچه‌مه، اگر مطمئن باشه که بنیاد معینه‌ای پرستاری چیزی تمام وقت به من میده حتما براش زن می‌گیرم اما خب من الان نیاز به کسی دارم که باهام باشه و پسرم اینو می‌دونه» مصاحبه شونده کد ۱۲ نیز تاکید می‌کند: «عملکرد بنیاد از بابت خدمات حقوق و اقتصادی خوبه اما مثلاً برای من که زن مسنی هستم و نیازمندی‌های خاصی دارم جوابگو نیست. من پرستار می‌خواهم، خدمتکار می‌خوام، کار منزل برایم سخت است.» می‌توان گفت ارائه خدمات فعلی بنیاد شهید به همسران شهدا متناسب با نیازهای در حال تغییر آنان نیست و نیازمند اصلاح و به روز رسانی می‌باشد. با رسیدن همسران شهدا به سنین سالمندی و کم توانی باید نحوه پاسخگویی به هزینه‌های درمانی، بیمه تکمیلی، نیاز

به خدمات پرستاری و سایر نیازمندی های عاطفی و روانی دوران سالمندی مورد توجه قرار گیرد. اگر ارزیابی سیاست های اجتماعی بنیاد شهید در خصوص همسران شهدا بر اساس ارزیابی بخشی از گروه هدف را مدنظر قرار دهیم، می توان بر اساس تجربه زیسته مصاحبه شوندگان این تحقیق، این سیاست ها را اینگونه ارزیابی کرد:

جدول ۲. مضمون های اصلی ارزیابی سیاست های بنیاد شهید از منظر همسران شهدا

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
ارزیابی محتوایی سیاستها	ارزیابی تحولات محتوا ارزیابی کفایت محتوا	اصرار بر سیاست ازدواج مجدد، قطع مستمری رضایت از تسهیلات مالی به شکل مستمری و وام مسکن، رضایت از مدارس شاهد، گلایه از مغفول ماندن همسران شهدا در قانون
ارزیابی نحوه اجرای سیاستها	مشکلات اداری بنیاد ناهماهنگی دستگاه های اجرایی	عدم توجه به نیازهای عاطفی و حقوقی همسران شهدا تبعیض بین شاغلین بر حسب دستگاه های اجرایی
آثار و پیامدها	نگرانی برای آینده،	تجربه طلاق و جدایی، نگرانی از مسائل مالی، نگرانی از ایام سالمندی (نیاز به پرستار)، نگرانی برای ازدواج و اشتغال فرزندان

#### ۴. نتیجه گیری:

برآیند مطالعات نشان داد که همسران شهدای جنگ ایران و عراق یکی از گروه های اجتماعی مورد حمایت سیاست های اجتماعی بنیاد شهید هستند. پس از تحقیقات و مطالعات صورت گرفته می توان گفت که سیاست های اجتماعی بنیاد شهید در ایران از نظر ماهیتی با مشکلاتی روبروست زیرا جامعه هدف این سیاستها تنوع بسیاری دارند که تنها وجه مشترک آنها خسارت دیدن در جریان جنگ است.

هدف این تحقیق ارزیابی تناسب این سیاستها با نیازهای بخشی از جامعه هدف، یعنی همسران شهدا بود. همسران شهدا از گروه اجتماعی زنان سرپرست خانوار محسوب می شوند و حمایت از آنها در تمام نظام های سیاستگذاری اجتماعی دارای مشروعیت و توجیه هزینه است. زنان سرپرست خانوار بیشتر در معرض آسیب پذیری اجتماعی هستند و فقر و فقدان پیوندهای اجتماعی و در نتیجه، تجربه آنها از فشار و عدم دریافت حمایت مناسب، چه از نوع رسمی و چه از نوع غیررسمی، این زنان و فرزندان آنها را در معرض آسیب قرار می دهد و تحقیقات نشان می دهد که شبکه ارتباطات و حمایت غیررسمی آنها

پایین تر از سطح عمومی جامعه است. یافته‌ها و مصاحبه‌های انجام شده نشانگر این مطلب بود که سیاست پرداخت مستمری به خانواده شهدا بدون دوراندیشی اتخاذ گردیده. چراکه شرایط متفاوت گروه‌های اجتماعی را در نظر نگرفته و همه را یکسان دیده است. در واقع سیاست‌های اجتماعی بنیاد شهید بر محور پرداخت خسارت به آسیب دیدگان جنگ بنا شد اما این سیاست تکافوی نیازهای امروز جامعه هدف نبود. در حقیقت تا پیش از این قوانین حمایتی از همسران شهدا تا حدی بدون در نظر گرفتن چشم اندازهای آتی بود که مستمری فرزند شهید را به ولی قهری وی یعنی پدر بزرگ می‌دادند و غالباً ایشان هزینه را به مادر به عنوان کسی که عهده دار سرپرستی و حضانت بچه است نمی‌دادند و این خود محل درگیری و اعتراضات فراوان بود.

نتایج این تحقیق نشان داد که سیاست‌های حمایت مالی دولت در قالب پرداخت مستمری و بیمه بخشی بزرگی از مشکلات اقتصادی سرپرستی خانواده توسط همسران شهدا را مرتفع کرد، با وجود گلیه‌های اندک درباره تأخیر در پرداخت مستمری یا عدم پوشش هزینه جانبی تحصیل فرزندان، مصاحبه شونده‌گان اذعان داشتند که بنیاد شهید برطرف کردن نیاز اقتصادی خانواده‌ها را وجه همت خود قرار داده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که از نظر همسران شهدا به عنوان یکی از گروه‌های هدف سیاست‌های اجتماعی بنیاد شهید، محتوای این سیاستها ناکافی است و مشکلاتی چون سالمندی، نیازهای تفریحی و ارتباطی، مددکاری و مشاوره را مهم ندانسته است. در نحوه اجرای سیاستها، یعنی وجه ساختاری اجرای سیاستها، عدم هماهنگی دستگاه‌های مختلف و عدم مخاطب محوری بنیاد شهید و امور ایثارگران وجود دارد. در بعد نتایج می‌توان گفت این سیاستها در عین برآوردن بخشی از نیازهای همسران شهدا، ناکافی است و اهتمام اندک بنیاد به توانمندسازی همسران شهدا باعث شده تا اکثر آنها برای تأمین معاش خود همچنان به مستمری ماهانه بنیاد وابسته باشند، در مصاحبه شونده‌گان احساس نارضایتی و نگرانی برای آینده خود و فرزندان باقی مانده است.

#### فهرست منابع:

- احمدی سیروس، فیروزی محمدرضا. (۱۳۹۵) مدل معادله ساختاری رابطه خدمات

- سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران با کیفیت زندگی ایثارگران؛ مطالعه موردی شهر شیراز. فصلنامه مطالعات فرهنگ ایثار، دوره ۱. ش ۱
- امید، رضا (۱۳۹۱)، تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۴ - خانی، سعید؛ خضری، فرشید؛ یاری، کتایون. (۱۳۹۶). مطالعه آسیب‌پذیری اجتماعی زنان سرپرست خانوار و زنان دارای سرپرست در منطقه سلطان آباد شهر تهران. زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۵، ش ۴. صص ۶۲۰-۵۹۷
- رضایی، مهدی؛ محمودی، فاطمه (۱۳۹۸) بازسازی معنایی کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار در کردستان: یک مطالعه کیفی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال سی‌ام. پیاپی ۷۳. صص ۱۶۶-۱۴۳
- زارعان، منصوره؛ زارعی، معصومه؛ هنردوست، عطیه. (.). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تاکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۶. شماره ۲. صص ۳۳۸-۳۱۹
- سبحانی، بهمن؛ حسینی مطلق، سید مستجاد. (۱۳۹۶) فراتحلیل پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در بنیاد شهید و امور ایثارگران. دوره ۱. ش ۳
- سرمدی، پرستو (۱۳۹۷). زنان و دولت، پس از انقلاب. تهران: کویر.
- عموزاده مهدیرجی، حنیف (۱۳۹۶) سیاست‌گذاری خانواده و تغییرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران. سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۳، شماره ۱. صص ۱۵۲-۱۳۳
- فیروزآبادی، احمد؛ دیباجی فروشانی، شکوه. (۱۳۹۶). نقد سیاست اجتماعی در باب زنان سرپرست خانوار در ایران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هشتم. شماره دوم. صص ۵۱-۲۵
- کراسول، جان. (۱۳۹۴). پویای کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد. ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار؛ اشراقی، چاپ دوم.
- کیخا، عالمه؛ حدادی، ابراهیم؛ غلامی، محمود؛ نوری دلور، محسن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ارتباط مدیران و کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران بر رضایتمندی خانواده‌های شاهد و ایثارگر، فصلنامه مطالعات فرهنگ ایثار، دوره ۱. ش ۴
- محمدپور، علیزاده، (۱۳۹۰). زنان و فرهنگ فقر: مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان



سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۹۷-۱۶۵

- همتی، رضا؛ کریمی، معصومه. (۱۳۹۷) زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار: یک پژوهش کیفی (نمونه موردی زنان مطلقه سرپرست خانوار شهر فارس). پژوهش نامه زنان. س ۹، ش ۲، صص ۲۱۱-۱۸۱

- قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران و احکام متناظر و مرتبط با آن (۱۳۹۸) معاونت حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران - نشر شاهد

- مصاحبه با دکتر بزرگیان - معاون ارتباطات مردمی بنیاد شهید (۱۳۹۸) توسط محقق در دی ماه ۱۳۹۸ در محل بنیاد شهید انقلاب اسلامی

- مصاحبه با خانم دکتر آهنگر - استاد دانشگاه و پژوهشگر اجتماعی و فرزند شهید (۱۳۹۸) توسط محقق در دانشگاه تهران

- مصاحبه با خانم دکتر موسوی پژوهشگر در حوزه جانبازان و خانواده‌های شهدا در منزل ایشان در مورخ آذر ۱۳۹۸

## یادداشت

### 1. Personal experience story

۲. مصاحبه اپیزودیک: مصاحبه واقعه مدار نوع ویژه‌ای از مصاحبه روایتی است که با اجرای آن، مصاحبه شونده‌ها، رخدادها یا جنبه‌هایی از زندگی روزمره خود را توصیف و روایت می‌کنند. مبنای این نوع مصاحبه بر این پیش فرض استوار است که تجارب افراد در یک حوزه معین به شکل دانش و روایتی- واقعه مدار و دانش معنایی ذخیره و یادآوری می‌شود. در واقع اگر در مصاحبه از روایتگر خواسته شود داستان خود را در محور یک واقعه سازماندهی کند، به آن مصاحبه واقعه مدار یا اپیزودیک گفته می‌شود.

رتال جامع علوم انسانی